

مقدمه، خود یک قانون اساسی جداگانه است! مثل یک قانون اساسی سایه می‌باشد که با هنرمندی و دقت مخصوصی نوشته شده است. در مقدمه آمده است: اگرچه در قانون اساسی آزادی‌های مدنی برای همه محترم شمرده شده اما اگر این آزادی‌ها با منافع ترکیه در تضاد باشد، قابل انجام نیست. این مقدمه قابل تفسیر به بیان‌های مختلف و بعضاً خطرناک است.

مرجع تفسیر قانون اساسی کیست؟

مرجع تفسیر قانون اساسی دادگاه قانون اساسی ترکیه است که اگر احساس کند قوانین عادی با قانون اساسی همراه نیستند، می‌تواند آن‌ها را باطل اعلام کند. اعضای این دادگاه برخی از سوی رئیس‌جمهور انتخاب می‌شوند و عده‌ای از سوی مجلس و برخی هم از سوی دادگاه‌های عالی.

شما به عنوان یک حقوق‌دان، معتقدید که زیرساخت‌های حقوقی برای دولت فعلی جهت اجرای برنامه‌هایی با الگوی اسلامی فراهم نیست؟

بله، درست است که اقتصاد پیشرفت کرده و توسعه یافته است اما قوانین حکومتی کامل فراهم نیست. البته حالا دخالت ارتش - که یکی از محدودیت‌های جدی همه دولت‌ها بوده - کمتر شده است؛ سابقاً کسی جرأت نداشت در مقابل حتی یک افسر میان‌رتبه ارتش اقامه دعوی کند.

ارتش در ترکیه جایگاه عرفی دارد یا قانونی؟ آیا اکنون نیز می‌تواند از اجرای برنامه‌های اسلام‌گرایان جلوگیری کند؟

ارتش تا حد زیادی جایگاه قانونی و حتی دادگاه نظامی جداگانه‌ای دارد. در میان آن‌ها این‌طور جا افتاده که ما از دادگستری مدنی آزاد هستیم و خودمختاریم. اما پیشرفت‌های اقتصادی در این سال‌ها باعث شده فرهنگ اجتماعی مردم بالاتر برود و مردم دیگر به راحتی نمی‌توانند سلطه ارتش را بپذیرند. البته سیاست بین‌المللی هم تغییر کرده است. مثلاً آمریکا مثل سابق از ارتش حمایت نمی‌کند؛ چرا که در ارتش هم گروه‌های مختلفی تشکیل شده که برخی از آن‌ها خیلی با خواسته‌های آمریکا و

اسرائیل همراهی نمی‌کنند؛ الان اوضاع با اسرائیل خوب نیست.

آیا اقدامات دولت اسلام‌گرا برای سازگاری بیشتر با شریعت که با شیب ملایمی آن را دنبال می‌کند، با مبانی حقوقی همخوانی دارد؟ یا متأثر از جنبه‌های عمل‌گرایانه است؟

البته مبانی حقوقی هم دارد؛ یعنی دولت لائیک دولتی نیست که خواسته‌های اسلامی را کاملاً غدقن کند و بگوید چون با اصول دولت لائیک سازگار نیست، نباید انجام شود. دولت لائیک به معنای حقیقی یعنی همه از آزادی وجدان استفاده کنند - البته تا چند سال قبل این معنا برداشت نمی‌شد - لذا این کارهای حکومت مبانی حقوقی واقعی دارد اما مقدمه قانون اساسی که به آن اشاره کردم، تأثیر خود را می‌گذارد. مثلاً «حزب خلق» در طول تاریخ ترکیه همیشه می‌گوید قوانین دینی با اصول لائیتیس تطابق ندارد و استنادش هم به مقدمه قانون اساسی است. برای همین است که می‌گویم باید مقدمه را تغییر داد و این کلمه لائیک را حذف کرد اما مفهوم آن می‌تواند باقی بماند تا همه از آزادی‌های عمومی استفاده کنند. در ایران گروه‌های مذهبی آزادی بیشتری دارند اما در ترکیه تا چند سال پیش این‌گونه نبود. مثلاً کنیسه‌های یهودیان را تعطیل کردند اما الان این سیاست‌ها تا حدی اصلاح شده است.

به عنوان یک استاد دانشگاه که در حوزه اقتصاد هم از منظر حقوقی مطالعات و فعالیت‌هایی داشته، تحلیل شما از پیشرفت‌های سال‌های اخیر ترکیه در سایه حکومت حزب عدالت و توسعه چیست؟

در حوزه اقتصاد پیشرفت‌هایی صورت گرفته و به همین خاطر دولت موفق شده اعتماد چندباره مردم را کسب کند. در مسائل حقوقی و سیاسی هم نسبتاً از دیگران بهترند و فهم بهتری دارند اما شعور کاملی نسبت به قواعد عالم‌شمول اسلامی ندارند. البته به نظر من در ایران هم اگرچه بهتر از ترکیه هستند اما به خوبی عمل نمی‌کنند. اگرچه من فقط درباره حقوق جزائی ایران ایراد دارم و در سایر حوزه‌ها مانند سیاست خارجی کاملاً پشتیبان ایران هستم.

